

منابع آمریکایی اعتراف کردند که دقت شلیک های موشکی ایران در روزهای پایانی جنگ ۹۰۰ درصد افزایش داشت

اتوبان هوایی تل آویو

به روایت آمار



آمریکا و اسرائیل که در زمان جنگ ۱۲ روزه تمام تلاش خود را می کردند تا آسیب های ناشی از جنگ را سانسور کرده و وجهه ای کاملاً پیروز از خود بسازند هرچه جلوتر می رود اطلاعات بیشتری در مورد ضربات ناشی از حملات موشکی و پهپادی ایران را بروز می دهند. در جدیدترین نمونه، مؤسسه یهودی برای امنیت ملی آمریکا (JINSA) اخیراً دیتاهایی را منتشر کرده که در آن اماکن حساس مورد هدف قرارگرفته بازهم سانسور شده و صرفاً اطلاعاتی در مورد اهداف با تمرکز جمعیتی بالا منتشر شده است. البته در همین حد از اعتراف نیز اطلاعات خوبی در مورد افزایش تدریجی بازدهی شلیک های ایران از روز اول تا دوازدهم جنگ در آن آورده شده که اثبات می کند با تداوم جنگ، از طرفی اسرائیل توان پدافندی خود را تحلیل رفته دیده و در طرف مقابل، ایران با پیدا کردن نقاط ضعف پدافندی اسرائیل توانسته ضریب خطای عملیاتی را پایین آورده و با کمترین شلیک بیشترین نتیجه را بگیرد.

علت تن دادن اسرائیل به آتش پس اینجاست

این مؤسسه آمریکایی طبق یک برآورد اولیه ادعا کرده است یک شب مانده به توقف جنگ یعنی ۲ تیرماه ایران حداقل ۱۰ موشک به سمت نیروهای آمریکایی مستقر در پایگاه هوایی العدید در قطر و حداقل یک پرتابه به سمت نیروهای آمریکایی در عراق شلیک کرد. هم زمان با هدف قراردادن اهداف آمریکایی، مواجعه با اسرائیل نیز با جدیت تداوم داشت. در صبح روز دوشنبه دوم تیر ماه مقامات اسرائیلی تأیید کردند ایران ۹ موشک بالستیک را در پنج موج مختلف شلیک کرده است. از این ۹ موشک یک موشک به یک تأسیسات برقی در جنوب اسرائیل در نزدیکی اشدود اصابت کرد و توزیع برق به حدود ۸۰۰۰۰ اسرائیلی در جنوب اسرائیل را متوقف کرد. در همین روز ایران یک پهپاد هرمس اسرائیلی را بر فراز خرم آباد در غرب ایران سرنگون کرد که این مؤسسه نیز به آن اعتراف کرده است. این دومین بار بود که ایران یک پهپاد هرمس را در حریم هوایی خود رهگیری می کرد.

در اوایل صبح روز اول تیر ماه هم ایران پس از یک توقف ۲۴ ساعته، ۲۷ موشک بالستیک را در دو موج شلیک کرده بود. مطابق ادعای این مؤسسه یهودی این موشک ها به ۱۰ سایت اصابت کردند که بیشترین تعداد در یک حمله واحد بود و اسرائیل اعتراف کرده حداقل ۸۶ نفر را مجروح کرد. یک موشک به طور مستقیم به یک میدان در حیفا اصابت کرد که مقامات اسرائیلی علت این برخورد را نقص فنی در تشخیص کلاهک موشک پس از جدا شدن توصیف کرده و مجروح شدن حداقل ۳ صهیونیست را تأیید کردند. آنچه اسرائیل نقص فنی در تشخیص می خواند در حقیقت همان ماجرای موفقیت ایران در هک سامانه های پدافندی است. همین موفقیت باعث شد بلافاصله بعد از جنگ، وزیر کشور آلمان خواهان شکل گیری یک گنبد آهنین دیجیتال شود. الکساندر دو بریندت در سفری که بلافاصله پس از جنگ به

منابع آمریکایی اعتراف کردند که دقت شلیک های موشکی ایران در روزهای پایانی جنگ ۹۰۰ درصد افزایش داشت

سرزمین های اشغالی داشت از تأسیس یک مرکز تحقیقات سایبری مشترک آلمان – اسرائیل خبر داد.

اعتراف به افزایش دقت موشکی ۹۰۰ درصدی ایران تنها در ۲ روز

مطابق اعتراف مؤسسه (JINSA) آخرین حمله بزرگ ایران در اول تیر ماه ۱۳ درصد کوچک تر از حمله قبلی آن در ۳۰ خرداد بود. بااین حال، ایران در حملات اول تیر ماه ۹۰۰ درصد اهداف بیشتری را نسبت به حمله دو روز پیش مورد اصابت قرار داد. این مؤسسه یهودی ادعا کرده است ایران در حمله اول تیر ۲۲ موشک بالستیک شلیک کرد که به ۱۰ سایت اصابت کرد، حال آنکه ۲ روز قبل از آن ایران با ۲۵ موشک توانسته بود ۴ مکان را مورد هدف قرار دهد. این رشد در دقت اهداف نشان دهنده استفاده از تکنیک های ترکیبی ضدپدافندی به علاوه به کار گرفتن موشک های با دقت بالاتر است. مطابق همین گزارش، ایران در دوم تیر ماه کوتاه ترین فاصله زمانی را بین هر موج حمله موشکی لحاظ کرده و در ساعت ابتدایی صبح ۴ موج حمله داشته است. این گزارش همچنین مدعی می شود که در مجموع ایران ۵۵۸ موشک بالستیک شلیک کرده که از این تعداد ۵۶ موشک به مناطق شهری برخورد کرده است. این گزارش البته به میزان برخوردها در مکان های غیر مسکونی اشاره نکرده است. البته رژیم صهیونیستی مناطق نظامی را نیز شهری گزارش کرده تا بتواند علیه ایران قضا سازی کند. با این وجود حتی اگر ادعای این مؤسسه در تکنیک اهداف نظامی و غیرنظامی را بپذیریم، بازدهی شلیک های ایران بدون لحاظ شدن مناطق نظامی حدود ۱۰ درصد بوده است که برای داشتن درکی واقعی تر از بازدهی موشکی ایران باید علاوه بر موارد نظامی اعلام شده تلاش اسرائیل برای حداقلی نشان دادن تلفات را نیز لحاظ کرد.

بازدهی ۳۷ درصدی موشکی؛ جدیدترین رقم اعتراف شده

ایران در روز نخست تیر ماه، ۴۸۰ درصد بیشتر از روز قبل از آن موشک پرتاب کرد. در ۳۱ خرداد، ۵ موشک به سمت اسرائیل شلیک شده بود که این رقم روز بعد به ۲۹ موشک رسید. در روز دوشنبه دوم تیر این رقم مجدداً ۶۸ درصد کاهش داشت و به ۹ فروند رسید. به ادعای این مؤسسه آمریکایی، بازدهی ۳۷ درصدی موشک های عبور کرده از چندین لایه پدافندی اسرائیل در یک تیر ماه و بازدهی ۲۵ درصدی در دوم تیر ماه، موفق ترین حملات ایران از زمان آغاز درگیری بود. این مؤسسه ادعا کرده افزایش موفقیت ممکن است به دلیل تغییر رویکرد ایران به استفاده از موشک های بالستیک پیشرفته تر و کلاهک های جداشونده باشد. این رویکرد نشان می دهد ایران موشک های خود را که در طول موج های مشخص شلیک کرده برای نفوذ بهتر به دفاع هوایی اسرائیل، تطبیق داده است. همچنین کاهش ظرفیت سامانه های پدافندی اسرائیل نیز که به ذخایر موشکی آمریکا وابستگی شدیدی دارد، در این عامل مؤثر بوده است.

اعتراف نواف سلام به بی نتیجه بودن مذاکره با اسرائیل با هدایت آمریکا پیام روشنی برای ایدئالیست های داخلی دارد

دو واحد واقع گرایی برای کاسبان توافق بد

عمل نیز بر مبنای همین نگاه، رفتارها بر رژیم صهیونیستی و آمریکا را تنظیم کرد. درک این موضوع که تنها راه برای مقابله با رژیم، مقاومت است و کوتاه آمدن تنها باعث زیاده خواهی بیشتر دشمن خواهد شد، صهیونیست ها را مجبور به پذیرش آتش پس کرد. از طرف دیگر هم شناخت دقیق ایران از اینکه میز مذاکره ای که آمریکا می چند میز تسلیم است؛ چرا که از موضوعی برابر مذاکره نمی کند، این موجب شد تا طرح ریزی آن ها علیه ایران، شکست بخورد. حالا در این میان کشورهایی که مسیر دیگری را دنبال کردند به این واقعیت رسیدند که تنها راه برای مقابله و مواجهه درست با رژیم صهیونیستی، مقاومت است. نواف سلام اگر چه در صحبت های اخیرش تلاش می کند تا جای ممکن از جنگ اجتناب کند و با دیپلماسی چالش ها را حل کند، اما به این موضوع معترف شد که دیپلماسی با رژیم نتیجه ای ندارد. اذعان او به نقش مقاومت در آزادی لبنان به نوعی تأیید این گزاره است که تحلیل ایران و موضوعی که در قبال رژیم اتخاذ کرده بود، برای مهار دشمن کارکرد بیشتری دارد. واقعیت آن است که در مواجهه با رژیمی که رویکردهای فاشیستی دارد و چون از حمایت قدرت های خارجی برخوردار است، خود را مجاز به هر نوع تجاوز و نقض قوانین بین المللی می داند، تنها مقاومت کار می کند.

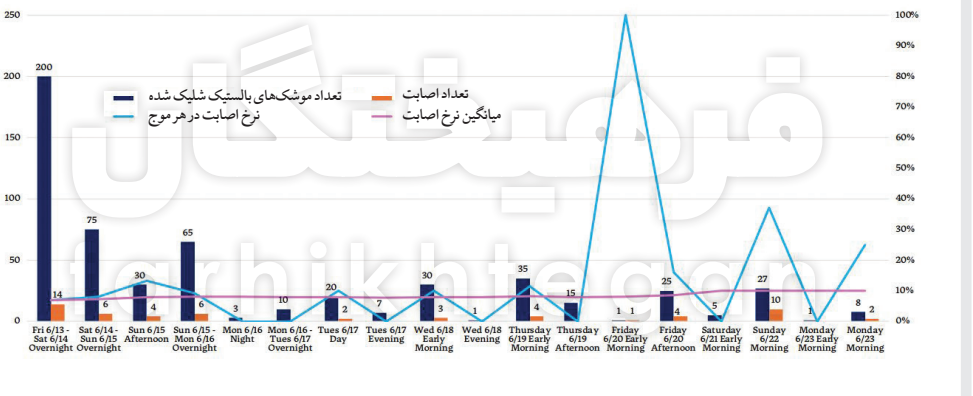
نواف از یک راه طی شده سخن می گوید

نواف سلام از راهی رفته سخن می گوید. کمتر از ۱۰ روز پیش، جوزف عون، رئیس جمهور لبنان ضمن اشاره به این موضوع که لبنان پیش تر و تحت نظارت آمریکا و سازمان ملل با اسرائیل مذاکره کرده است، گفت: «امروز فضای عمومی فضای توافق و مصالحه است و چاره ای جز مذاکره وجود ندارد.» سلام شکست دیپلماسی را در شرایطی که اسرائیل تحریکاتی نظامی داشته، اعلام کرد. این موضع گیری پیام روشنی هم برای برخی از سیاست مداران داخل کشور دارد که علاوه بر آنکه در دوگانه جنگ و مذاکره، تنها راه برای اجتناب از جنگ را رسیدن به هر توافقی می دانند و معتقدند که ایران باید از هر فرصتی برای مذاکره و گفت وگو استفاده کند و مهم تر آنکه این تأکید را در خلأ وجود پشنهاده و ایده مشخص دنبال می کنند. واقع امر آن است که دولت لبنان در انتهای مسیری قرار دارد که برخی از مارتیک های داخلی به آن تأکید دارند. لبنان تمام مسیر مذاکره را با طرح ریزی و برنامه ریزی آمریکایی ها جلو برد، اما نهایتاً اسرائیلی ها به این توافقی هم پایبند نماندند و مکرراً آن را نقض کردند. حالا در مواجهه با مشتاقان مذاکره برای مذاکره، این تصویر روشن وجود دارد که در منتهی الیه مسیری که لبنان برای صلح از طریق دیپلماسی دنبال کرد، صلح و توافقی انتظار آن ها را نمی کشد. نکته ای که نباید آن را فراموش کرد این است که مذاکره یک ابزار مهم و مؤثر در کنار قدرت و توان نظامی است؛ اما تصور آنکه مذاکره و به تبع آن توافق با کشورهایی که مکرراً بدعهدی شان را اثبات کردند، می تواند جنگ را خاتمه دهد ناشی از عدم شناخت دقیق از دشمنان منطقه و ایران است.

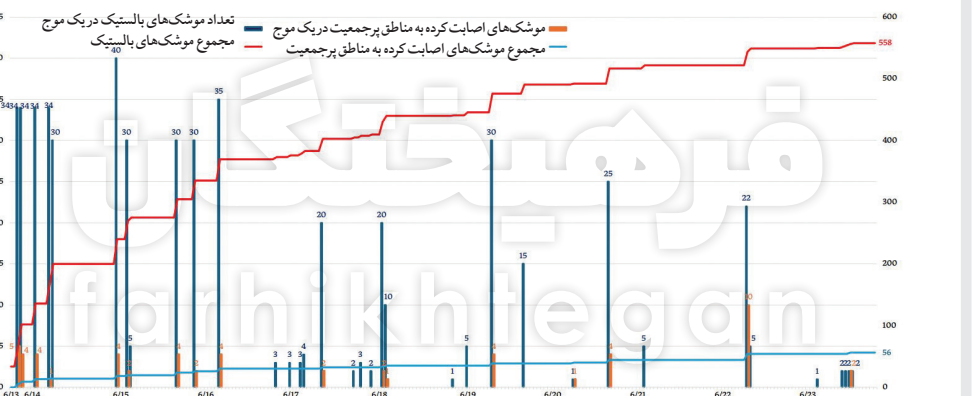


میانگین تعداد موشک های بالستیک شلیک شده ایران

به اسرائیل در هر موج و درصد نرخ اصابت



فراوانی حملات موشک های بالستیک ایران علیه اسرائیل



یک امضا توانست روند تاریخ ملتی را رقم بزند و کاپیتولاسیون بخشی از تحولات معاصر ایران شد

امضای بی عزتی

افشاگرانه خود، کاپیتولاسیون را نه یک قانون حقوقی، بلکه سندی از بردگی سیاسی و بی اختیار ی کشور خواند. او نشان داد حتی وقتی ساختارها سکوت می کنند، اراده جمعی وجدان تاریخی ملت می تواند مسیر تاریخ را تغییر دهد و نشان داد مشروعیت واقعی نه در قدرت نظامی و ثروت، بلکه در انجم اجتماع و واکنش جمعی ملت است. امام با شجاعت بی نظیر خود، راه را برای بیداری ملی باز کرد. مردمی که تا آن زمان قدرت فریادزند نداشتند، حالا در ذهن و دلشان بیدار شده بودند. او کاپیتولاسیون را «نگین ترین سند بردگی ایران» خواند و هشدار داد که این قانون پایه های مشروعیت شاه را از درون تهی می کند. این افشاگری همانند چراغی بود که تاریکی وابستگی و ذلت را روشن کرد و مسیر بیداری ملت را هموار ساخت.

کاپیتولاسیون، سند سقوط اخلاقی و سیاسی رژیمی بود که عزت ملی را فدای بقای شخصی کرده بود. شاه تصور می کرد با این معامله تاجش را حفظ می کند؛ اما تاریخ نشان داد هیچ تاجی بر پایه ذلت ماندگار نیست. خطی که شاه بر کاپیتولاسیون کشید، شاید در لحظه کم اهمیت به نظر رسید؛ اما تبعات آن نسل ها بعد آشکار شد و فرایندی را آغاز کرد که سلطنت را از درون تهی کرد. درس این تاریخ برای امروز و آینده روشن است: عزت و استقلال ملت، با تصمیمات ظاهراً کوچک و خطوط مبهم روی کاغذ فروخته نمی شود. هر اقدامی که پایه مشروعیت را فرسوده کند، دیر یا زود اثر خود را نشان می دهد. میز دیپلماسی گاه محلی برای بدهبستان بین طرفین نیست، بلکه فقط برای پذیرش و امضای خواسته دیکته شده به یک طرف از سوی طرف دیگر است و البته که همان طور که امام نشان داد، آگاهی جمعی و اراده مردم، حتی در شرایط خفگان، توانایی اصلاح مسیر تاریخ را دارد و می تواند تصمیمات ظاهراً بی صدا را با قدرت و وضوح پاسخ دهد.



علی جاخوزاده خبرنگار

در تاریخ ملت ها، گاهی سقوط نه با صدای توپ و تفنگ، بلکه از پی خطوط مبهم یک امضا آغاز می شود. جایی که پشت میزهایی به نام مذاکره، استقلال یک ملت بی صدا و در لفافه ای لوکس از دیپلماسی به تاراج گذاشته می شود. ظاهر همه چیز آرام است؛ شتاب و هیاهو دیده نمی شود، خبری از جینال یا اعتراض نیست و فقط خطوطی روی کاغذ، آینده ای را رقم می زنند که عده ای هرگز انتظارش را ندارند. در چنین لحظاتی، اغلب مردم و حتی نخبگان متوجه عمق خطر نمی شوند؛ چراکه سقوط آرام، همواره بی صداست و اغلب از نگاه ها پنهان می ماند.

دهه ۴۰ شمسی ایران، نمونه ای بارز از این روند بود. کشور به ظاهر در مسیر پیشرفت و مدرنیت قرار داشت؛ شاه با غرور از «انقلاب سفید» سخن می گفت، رسانه های رسمی، تصویری از رفاه و توسعه ارائه می دادند و مجلس ها بدون چالش، از تصمیمات سلطنت حمایت می کردند؛ اما در پس این نقاب، واقعیت متفاوت بود. مستشاران آمریکایی در ارتش، وزارتخانه ها و مراکز آموزشی حضور داشتند و هر تصمیم کلان، حتی اصلاحات داخلی، نیازمند چرخش و واگردانی بود. در این شرایط، استقلال و اقتدار ایران در ظاهر حفظ شده بود؛ اما در واقع خطوط قدرت و تصمیم گیری کشور به دست دیگران افتاده بود و کشور به آرامی در مسیر وابستگی کامل حرکت می کرد.

این تضاد بین ظاهر و واقعیت، درس مهمی برای نسل امروز دارد؛ قدرت واقعی اغلب در پشت پرده شکل می گیرد و تصمیماتی که به نظر کم اهمیت یا بی صدا می آیند، اثرات عمیق و بلندمدت بر سرنوشت یک ملت دارند. سکوت عمومی، بی تفاوتی سیاسی و وابستگی های پنهان، شرایطی فراهم می آورد که خطوط مبهم و ظاهر ساده، مسیر تاریخ را تغییر دهند. آنچه امروز ممکن است نادیده گرفته شود، فردا در قالب یک بحران آشکار، پیامدهای جدی خود را نشان خواهد داد.

در این فضا، امضای محمدرضا پهلوی بر لایحه کاپیتولاسیون، نقطه ای بود که این فرسایش مشروعیت و عزت را علنی کرد. این لایحه اتباع آمریکایی را از هرگونه پیگرد قضایی در ایران مصون می کرد و نشان دهنده تضعیف مستقیم جایگاه شاه بود. او کلام می کرد با این اقدام، سلطنت خود را تثبیت می کند؛ اما در واقع، مشروعیت و استقلال خود را به تاراج گذاشت. مجلس سنا و شورای ملی در سکوت و بدون بحث، لایحه را تصویب کردند و مطبوعات آن را سانسور کردند؛ هیچ صدایی در دفاع از ملت بلند نشد و هیچ خبرنگاری جرئت نکرد حقیقت را بازگو کند.

در چنین شرایطی امام خمینی فریادی شد تا ابهام و بی صدایی این امضای

نگین را از بین ببرد و در خفگان پهلوی، صدای مردمی شود که سال ها صدایشان به جایی نمی رسید. در چهارم آبان ۱۳۴۳، امام با سخنرانی